

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

تاریخی

نویسنده: زنده یاد دکتر عینعلی بنیاد
بازتایپ و ارسال از: دیپلوم انجنیر نسرین معروفی
۱۷ دسمبر ۲۰۱۴

پرولتاریای سراسر جهان متحد شوید!

خلفهای اسپر و ستمکش جهان متحد شوید!

تاریخچه

مبارزات سیاسی گذشته

(از سردار هاشم تا یوسف سردار شده)

۴

از میان رفتن اتحادیه محصلان :

در ۲۳ عقرب هنگامی که کنفرانس در صحنه تمثیل واقع چمن مکتب استقلال ادامه داشت بنابر توطئه قبلی [توسط] تفنگداران و تفنگچه داران محاصره گردید و در خلاصی کنفرانس به بگیر و گرفت اقدام کردند و از آن زمان به بعد به بهانه این که "محصلان فاکولته ها و شاگردان مکتب از درس نمانند و وقت شان ضایع می شود و فعالیت شان خارج از اساسنامه پوهنتون است" منحل ساخته شد و چند تن به شمول رئیس اخیر کنفرانس "میر علی احمد شامل" و چند نفر دیگر مقاله خوانها به عرصه های مختلف از فاکولته خارج گردیدند. اما از آنجمله "طاهر بورگی" خارج نشد بنا بر اعتراض یک مأمور موظف وزارت معارف در باره عدم اخراج او، دکتر علی احمد "پوپل" رئیس تدریسات ثانوی آنزمان چنین اظهار کرده بود: "هنگامی که من در مکتب نجات جغرافیه درس می دادم طاهر بورگی یکی از "شاگردان لایق من" بود لذا نام او را از لست اخراج شدگان خط زدم". (او در زمان حکومت داوود حاکم پغمان شد).

تکتیک حکومت شاه محمود در برابر بقایای اتحادیه محصلان :

حکومت شاه محمود همان کسانی را که در هنگام اجازه دادن فعالیت اتحادیه محصلان به قصر صدارت پذیرفته بود دوباره مورد الطاف خود قرار داد و هرکدام آنها را به ذریعه ای از ذرایع در ازای خدمات پشت پرده شان به نفع حکومت مورد پشتیبانی و تطمیع قرار داد و برای اکثریت ایشان به فاصله های معین چانس خارج داده شد که حالا نظر به خدمات "احساساتی و انقلابی" دیروز شان به چوکیهای بزرگ دولت تکیه زده اند و بعضی دیگر مورد تخویف قرار گرفتند تا دیگران را نیز به ترس و واهمه بیندازند. بالاخره در اثر تکتیک تطمیع و تخویف به جز چند نفر معدود اعضای فعال اتحادیه محصلان، باقی اکثریت آنها نزد حکومت سر تسلیم فرود آوردند و حتا آن "بلبل" اتحادیه دیروز بعد از فاکولته فارغ شدن دوباره شامل شدن و یک دوره بندیگری امروز رئیس گمرک یکی از ولایات افغانستان است و طبل میلیونری می نوازد و به این عقیده است که "ما مبارزه کردیم و حالا نوبت دیگران است".

تأثیر فعالیت اتحادیه محصلان و وکلای دوره هفتم شورا :

فعالیت اتحادیه محصلان و وکلای دوره هفتم شورا به مقابل حکومت تأثیر قابل ملاحظه ای را بالای مردم به جا گذاشت. چنانچه جریده ندای خلق از طرف محمودی فقید در سال ۱۳۳۰ توسط گسنتتر شخصی از چاپ برآمد زیرا رفقای داکتر محمودی برین نظر بودند که چاپ کردن جریده در مطبعه دولتی از اهمیت جریده به حیث "جریده ملی" می کاهد.

جریده انگار چند ماه قبل از آن انتشار یافته بود همچنان جریده وطن از طرف آقای غبار نشر شد (ما در آینده تحت عنوان اوضاع مطبوعاتی نظر خواهیم انداخت). شهرت این جراید به حیث جراید ملی در سراسر افغانستان پیچید. تاجران دلال نظر به تضادی که با قیودات پوسیده فیودالی داشتند نمی توانستند آزادانه به صادرات مواد خام و واردات کالای خارجی بپردازند، بنابراین زمینه های زیادی برای نمایندگان خود در شورا فراهم ساختند و به حیث تکیه گاه جدیدی در دستگاه دولت موقف خود را تثبیت کردند اما باز هم فعالیت وکلای مترقی دوره هفتم شورا منزلت افشاء گری سیستم پارلمانی افغانستان را هم در برداشت، بنابراین وکلای کابل محمودی و غبار ضمناً خواهان یک جریده ملی گردیدند و خواستند در جوار وکالت خود از به اصطلاح مصونیت پارلمانی استفاده کرده فعالیت مطبوعاتی نیز نمایند.

اوضاع مطبوعاتی، نشر جراید ملی و احزاب :

در زمان حکومت شاه محمود در جوار روزنامه های دولتی اجازه نشر جریده ملی "به طور امتحانی نیز داده شد" بدین ترتیب برای بار اول فیض محمد انگار از جمله نویسندگان جمعیت "ویش زلمیان" قندهار از قانون مطبوعات آنزمان استفاده کرده به نشر جریده "انگار" پرداخت. به این نظر که "نویسندگان و دانشمندان باید در تنویر اذهان عامه بکوشند". این جریده در پهلوی خواستار شدن نان و لباس، مسکن، سرک و پل آرزو می کرد که در مقابل دشمنان خارجی یک قوه بزرگ ملی لازمست و این امر را مربوط به داشتن جمعیت ها و احزاب می دانست. این جریده در چهارشنبه ۹ حوت ۱۳۲۹ انتشار یافت. در این جریده اکثراً اعضای "ویش زلمیان" مقالاتی می نوشتند.

در دوشنبه ۱۲ حمل ۱۳۳۰ جریده ندای خلق از طرف داکتر محمودی فقید انتشار یافت که در آن راه حصول حکومت خلق توسط خلق و برای خلق نمایانده می شد و همچنان مبارزه با استثمار و دشمنان منافع خلق را هدف خود می دانست. همزمان با این جریده، جریده "وطن" نیز از طرف آقای غبار از چاپ برآمد که در آن نیز انتقاد از طرز اداره درهم و برهم آنوقت شده بود و از حیف و میل بیروکراتهای بزرگ دولتی خورده گیری می کرد.

برای آن که از طرز مبارزه مطبوعاتی آنزمان آگاه شویم به صورت نمونه از چند جای نوشته های محمودی فقید و آقای غبار رونوشتی جهت معلومات تقدیم می گردد.

داکتر محمودی زیر عنوان "درد های اجتماعی علاج حقیقی و تداوی جذری می خواهد" چنین می نگارد:

"از یک قرن به این طرف سیاست شوم استعمار و استبداد، ما و ملت همجوار و دوست ما ایران را به نامهای سیاست دروازه هند و جلوگیری از انتشار رسوخ تزاری و تفرقه و سیادت و غیره به اختناق دچار ساخته و مقدرات مارا در میز مدور لندن حل و فصل می نمایند.... ما از قافله مدنیست سخت به دوریم در ساحه معرفت، زراعت، صنعت و حرفت از همه اولاد آدم محتاج تریم، تازه نام حقرا بر زبان رانده و هنوز مردم ما به حقوق خود آشنا نبوده حتا جرأت حق خواهی را هم باخته اند. ما با موانع و مشکلات شدیدی مواجه شدنی بوده و مبارزات خونینی در قبال داریم ولی برای همه باید به یک تداوی جذری فکر کنیم نه موقتی و گذری و آن سعی در به دست آوردن دموکراسی حقیقی و یا حکومت خلق است".

آقای غبار زیر عنوان مقاله "ما چه داریم؟" چنین می نگارد:

"ظاهراً هر چیز داریم! مثلاً وزارت، ریاست، مؤسسات متنوع معارف، تجارت، شوارع و حمل و نقل و صدها چیز دیگر اما معنأً هیچ چیز و یا کم چیز. به طور مثال - دیروز نداشتیم و امروز وزارت معدن داریم اما این وزارت در عمل چه کرده؟ نفت، ذغال و آهن استخراج کرده یا کدام شی دیگر؟ همه می دانیم هیچ چیز تنها کاری که کرده همان نمک کهنه یادگار حضرت نوح را در عوض قاطر توسط لاری حمل و نقل و به قیمت گزافتری به مردم داده است... علت عقب ماندگی و بیخردی ما عدم رعایت اصول دموکراسی در طرز اداره ماست و بس و تا ما به تحکیم این مبانی از صمیم قلب و با تمام قواء متفقاً کوشش نکنیم نه این که مالک چیزی نخواهیم شد بلکه خطر از دست دادن چیز بیست که فعلاً داریم، پس وظیفه نخستین منورین و جراید ملی همانا تبلیغ اصول دموکراسی و مبارزه با بقایای مطلقیت و استبداد است و بس."

فعالتهای مطبوعاتی همزمان با فعالتهای پارلمانی "دست چپی" وکلای کابل در شورا به شهرت آنها فوق العاده افزود. حال برای این که از چگونگی مبارزه وکلای کابل شمه ای آگاه شویم، گفتار آنها را طور مثال در یکی از جلسات شورا در اینجا تقدیم می گردد.

محمودی وکیل کابل در سال ۱۳۳۰: "به خیالم وکیل صاحب در گفته بنده اشتباه کرده اند من نگفتم که وکیل صاحبان قانونی نیستند بلکه گفتیم که ما در مملکت قانون درست انتخابات نداریم و فقط در مرکز به اساس قانون و انتخابات کمیته های مراقبت و وضع صندوق آراء در هر ناحیه مطابق قوانینی مدنی هرکس آزادانه به آرای مخفی و کاندید شدن یک عده، وکیل خویش را انتخاب کرده اند، ولی در ولایات این اصول نظر به نبودن قانون انتخابات تا کنون مروج نبوده و وکلاء مانند سابق از اهالی وثیقه شرعی و از حاکم مربوط اعتماد نامه گرفته اند و اگر وکیل صاحب در مورد گفته بنده اشتباه کرده باشند از آن معذرت می خواهم" باز هم در موضوع دیگر چنین اظهار کرده است. "... ما در قدرت خود اهمال می کنیم، ما از دوسال به این طرف در مورد حقوق شورا و این که وکلاء حق دارند خود شان یک کابینه مسؤول در نزد شورا را تشکیل نمایند بسیار حرف زده ایم ولی آن وقت حضرات وکلاء نظریات ما را خلاف حکومت تلقی می کردند و بعضی از وکلاء جداً با آن مخالفت می کردند اما تا زمانی که به اساس قانون (ماده ۱۷) یک کابینه مسؤول در مقابل شورا تشکیل نشده و وزراء احساس نمایند که آنها در مقابل ملت مسؤول اند هیچ کاری از شورا ساخته نیست، ما باید طوری که در جلسات گذشته بنده عرض کرده بود فوراً رأی عدم اعتماد را نسبت به کابینه تصویب و این کار را عملی سازیم، زیرا برای یک وکیل باشرف ننگ است که در شورا عضویت داشته باشد که وزراء قانون اساسی و تصویبات شورا را احترام نکنند." (هیجان و تأیید وکلاء)

آقای غبار در موضوعی چنین اظهار نظر می کند: "باید عرض کنم که به عقیده من "در باره ضمایم قانون" ضرورت مباحثه نیست زیرا جریان امور در مملکت ثابت می کند که ما به قانون ضرورت نداریم چه رسد به حواشی آن. زیرا تا کنون قانون اساسی قطعاً در مملکت تطبیق نشده مثلاً بیست سال است که قانون اساسی موجود است و دولت طرز اداره خود را سلطنت "مشروطه" اعلان کرده و در قانون اساسی بیگار ممنوع بوده و غله خریداری هم خلاف قانون است چه بدون تصویب شورا و قانون چیزی از ملت گرفته شده نمی تواند ولی ما می دانیم که شاه "مشروطه" را به ملت، عطا کرده ولی کابینه نمی خواهد این حقوق را به ملت بدهد و گویا همان مثل معروف است که شاه می بخشد و شا قلی نی، دو سال است که مسأله بیگاری و غله خریداری موضوع بحث است و با آن که خلاف قانون است باز هم از طرف وکلاء دوباره تأیید شد، سال گذشته کمیسیون شورا شصت جلسه نمود، ولی وزرای عضو کمیسیون صرف در هفده جلسه حاضر گردیدند و وقتی که نتیجه کمیسیون خوانده می شد عدم قناعت خود را اظهار نمودند. سال گذشته آنها ۴۳ میلیون کسر بودجه نشان دادند ولی کمیسیون شورا از مدارک مختلفه ۴۹ میلیون افغانی تهیه و نشان داده ولی وزراء در

این موضوع قطعاً جوابی ندادند و صرف اکنون پس از مدتی قسمت مهم آن را برای ایزاد معاش مأمورین تخصیص داده اند اگر آنوقت به ما می گفتند، ما مدارک دیگری تهیه می نمودیم. ایزاد معاش را در ماه میزان وعده داده ولی اکنون آن را اعلان می کند اما اینها قطعاً حق ندارند که اکنون در حال حضور شورا این مسأله را خلاف قانون به امضای "وزارت شاهانه" برسانند، به عقیده من کابینه ما به قانون و دموکراسی اصلاً عقیده ندارد و نمی خواهند که قانون در مملکت رواج یابد (تأیید نمایندگان با شور و غوغا) و باز هم ادامه می دهد..... پس در صورتی که در یک مملکت قانون اساسی و تصویب شورا قیمتی نداشته باشد ضمایم کوچک قانون هم ارزشی ندارد."

در جوار جراید ملی فوق الذکر جریده "ولس" که از طرف آقای "الفت" که خودش نیز عضویت شورای دوره هفتم را به دوش داشت به زبان پشتو و دری انتشار یافت که زیاد تر مسایل اصلاحاتی در آن تذکار می گردید، سرنوشت آن با سرنوشت مصادره دیگر جراید به یک نقطه انجامید یعنی جریده اول "انگار" و بعد از آن به تدریج دیگر جراید به تعقیب یکدیگر از طرف دولت از نشرات باز ماندند.

جریده "انگار" به نسبت نشر مقاله ای به طرفداری از اتحادیه محصلان و غیره انتقادات بالای روشهای حکومت به جرم اخلاف امنیت بدون محاکمه مصادره شد و جریده "ولس" نیز خلاف قانون مطبوعات آنزمان از نشرات باز ماند اما جریده "ندای خلق" و جریده "وطن" به بهانه نشرات خلاف مطبوعات و فعالیتهای حزبی و انتشار مرامنامه حزبی و غیره بدون محاکمه مصادره شدند.

حزبایی که در آنزمان مترافق با جریده "ندای خلق" و جریده "وطن" (به نام خلق و حزب وطن) در حال تشکل بودند و به طرف فعالیتهای سازمانی می رفتند و دست به فعالیتهای دموکراتیک زده بودند، در حین شروع فعالیت سازمانی غیر قانونی اعلام گردیدند.

ادامه دارد